

## جغرافیا و مفاهیم جغرافیائی

چهره‌های جغرافیائی سیاره زمین از دو عامل طبیعی و انسانی تشکیل شده است و هر محیط انسانی همچنانکه دارای آثار انسانی است از تأثیرات محیط طبیعی نیز بهره‌مند است و وظیفه اصلی و نقش مهم تعالیم جغرافیائی مطالعه و کشف رابطه علت و معلولی بین اوضاع طبیعی و جوامع انسانی است روی این اصل در سیمای جغرافیائی هر ناحیه عوامل مختلف و پیچیده و متعدد دخالت دارند و تنوع حیات و پیدایش اشکال مختلف آن در نواحی جغرافیائی ناشی از همین مسئله است هدف از آموزش جغرافیا نمایاندن علل ظهور اشکال مختلف حیات در سیاره زمین و آشنائی با هماهنگی و یا ناهماهنگی جوامع انسانی در رابطه با محیط طبیعی است .

پیدایش و ظهور اشکال متنوع در حیات انسانی ، گیاهی و حیوانی نتیجه تأثیر مستقیم عوامل طبیعی مثل آب و هوا، پستی و بلندی، نوع خاک، آبهای ساکن و روان میباشد بدین جهت در مطالعات جغرافیائی باید توجه داشت که کلیه این عوامل یکجا و توأم و باهم در تکوین و گسترش پدیده حیات در سیاره زمین مؤثر افتاده‌اند و یک نظم طبیعی نظام انسانی و اقتصادی ویژه‌ای که در بستر این عوامل طبیعی بیافتد بوجود آورده است. منطقی است قبل از ورود به بحث مفاهیم خاص جغرافیائی ، تعریف علم جغرافیا را از نظر گاه معروفترین جغرافیدانان قرن بیستم مورد توجه و مطالعه قرار دهیم .

۱- جغرافیا علم پراکندگی است Marthe . در بطن این تعریف توجه مستقیم به علل پراکندگی نهفته است ساده‌تر بگوئیم که دید ویژه این جغرافیدان پدیده‌ها و مسائل انسانی را در چار چوب دانش جغرافیا قرار میدهد و بنظر او همه

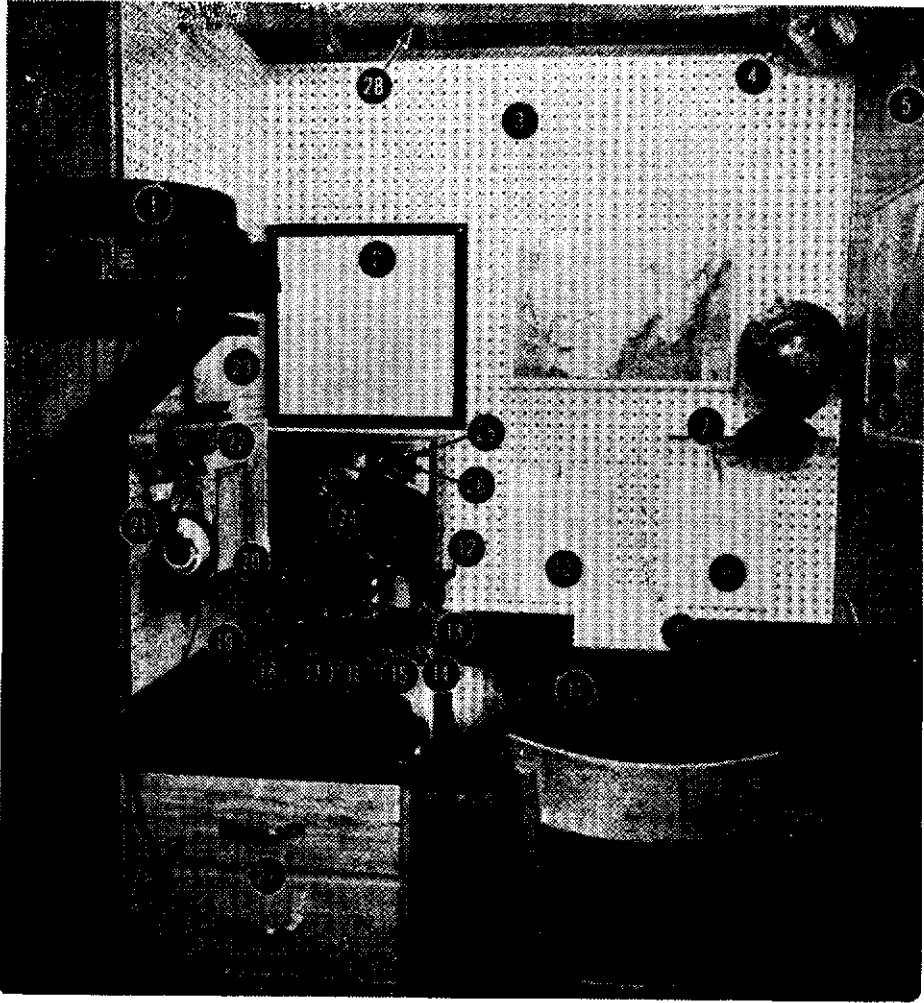
چیز در زندگی روزانه رنگ جغرافیائی دارد مثلا اگر هدف از يك تحقیق ، علل پراکندگی جمعیت ، شهرها و یا امراض مختلف باشد بترتیب جغرافیای جمعیت و جغرافیای شهری و جغرافیای پزشکی خوانده میشود . پس اغلب مسائل و مشکلات ناحیه ای، منطقه ای، کشوری و جهانی که رابطه مستقیم با زندگی انسان ساکن سیاره زمین داشته باشد میتواند يك موضوع جغرافیائی بحساب آید .

۲- جغرافیا يك علم ترکیبی است «گریفیت تیلور Griffith Taylor» یعنی در هر مکان و هر ناحیه عوامل مرکب و پیچیده باهم ترکیب شده و مشترکاً چهره جغرافیائی آن ناحیه را بوجود آورده اند در اینصورت ناگزیریم در هر مطالعه جغرافیائی از علوم دیگر از آن جمله هواشناسی، زمین شناسی، ژئوفیزیک، گیاه شناسی، نژادشناسی، تاریخ، معماری، شهرسازی، جامعه شناسی روستائی، شهری و طبقاتی کمک بگیریم. سرپا تریک گدس گیاه شناس و اکولوژیست اسکاتلندی نیز جغرافیا را علم ترکیبی و مادر تمام علوم میداند . بطور کلی برای شناخت جهات و سطوح مختلف حیات در نواحی جغرافیائی همکاری علوم طبیعی و علوم اجتماعی لازم و ضروری است .

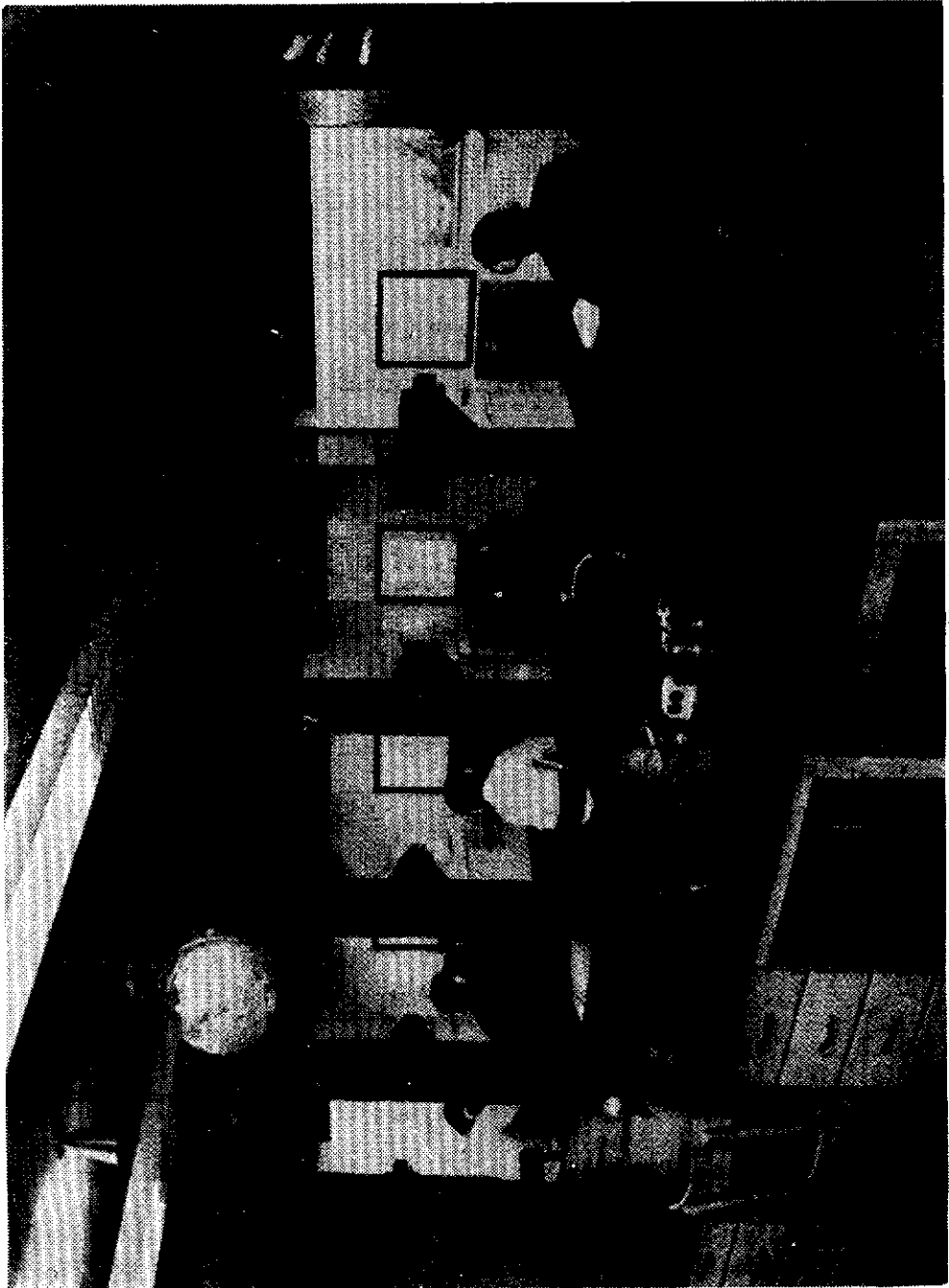
۳- جغرافیا علل تشابه و اختلاف بین مکانها را با توجه به رابطه علت و معلولی مورد مطالعه قرار میدهد «پرستون ای جمز Preston E. James» در حقیقت اختلاف و تضاد مناظر جغرافیائی در مکانها و نواحی دنیا اساس و پایه مطالعات جغرافیائی است زیرا بندرت میتوان دو ناحیه کاملاً متشابه از جهات جغرافیائی در سیاره زمین مشاهده کرد کشف و توضیح تشابه نسبی و اختلاف بین مکانها از وظایف علم جغرافیاست .

۴- جغرافیا مشخصات و کیفیت متغیر مکانی از مکان دیگر زمین را بعنوان جایگاه انسان مطالعه و بررسی میکند «هارتشنون Hartshorne»

۵- جغرافیا مطالعه روابط و وابستگی بین جوامع متشکل انسانی و محیطی است که آنها زندگی میکنند «انجمن بین المللی جغرافیائی» بطور کلی تمام پدیده هائی که باهم و یکجا در داخل ناحیه ای بظهور میرسند و بنحوی در حیات انسانی مؤثر میافتند موضوع علم جغرافیاست در واقع در يك دست انسان و در دست دیگر عوامل طبیعی قرار دارد



در بعضی از دانشگاههای امریکا جهت استفاده دانشجویان رشته جغرافیا کابین‌های مخصوص جغرافیائی بوجود آمده است هر کابین جغرافیائی از یک پروژکتور، انواع اسلاید، پرده اسلاید، مدارک جغرافیائی، دستگاه و نوار ضبط و پخش صدا، کره جغرافیائی، نقشه جهان، نقشه امریکا و وسایل دیگر تشکیل شده است نتایج حاصل از این اقدام علمی در زمینه‌های مختلف جغرافیائی بسیار رضایت بخش بوده است .



دانشجویان امریکائی در کابین‌های جغرافیائی

این عوامل طبیعی که انسان محیطهای جغرافیائی را بفعالیت درشمار معینی از حیات و ادار میسازد عبارتند از: موقع جغرافیائی، ناهمواریها، آب و هوا، نوع خاک، حیات گیاهی و حیوانی، آبهای زیرزمینی، آبهای ساکن و روان، مجاورت و یا وابستگی و رابطه با دریا و بالاخره منابع معدنی .

خانم الن سمپل چرچیل<sup>۱</sup> جغرافیدان امریکائی و شاگرد متعصب مکتب جبر جغرافیائی را تزل در اثر خود بنام تأثیر محیط جغرافیائی<sup>۲</sup> چنین اظهار نظر میکند «موقع و محل يك کشور و يك ملت همواره عامل مهم جغرافیائی در تاریخ آن کشور و آن ملت می باشد» روی این اصل امانوئل کانت نیز جغرافیا را پایه و اساس تاریخ میدانند . این موضوع در مورد تاریخ ایران کاملاً صادق است چنانکه حوادث مهم تاریخی در کشور ما همواره با موقع جغرافیائی آن در ارتباط بوده است و دهلیزهای طبیعی خراسان گذرگاههای دائمی جهت ورود و تهاجم اقوام مختلف بایران گشته است . نتیجه میگیریم که طبیعت و عوامل طبیعی سازنده چهره های جغرافیائی مناطق مختلف سیاره زمین است و مشخصات جسمانی، مصرف مواد غذایی، نوع مسکن، اشکال متنوع حیات حتی انواع تمدنها و حوادث تاریخی همواره متأثر از محیط طبیعی بوده است . جغرافیا یکی از علوم طبیعی (فیزیکی) است زیرا مطالعه و بحث درباره ترکیبات طبیعی سیاره زمین را بعهده دارد و بررسی پدیده های عوامل طبیعی نظیر پوشش آتمسفر يك زمین و اشکال متنوع ناهمواریها و حیات حیوانی و زندگی گیاهی و علل پراکندگی آنها از وظایف جغرافیدانان است در این صورت آزمایشگاه جغرافیا نیز سراسر کره زمین خواهد بود . عده ای از جغرافیدانان معتقدند بهتر است شاخه هایی از جغرافیای طبیعی مثل کلیماتولوژی، ژئومورفولوژی، متئورولوژی، بیوژئوگرافی و کارتوگرافی را که همگی با علوم فیزیکی و ریاضی را بطه نزدیک دارند در تقسیم بندی

1— Ellen C...

2— Ellen semple C. influences of Geographical environment. new york 1911

علوم جزو علوم طبیعی (فیزیکی) بحساب آید و تقسیمات دیگر جغرافیا نظیر جغرافیای انسانی، جغرافیای اقتصادی و جغرافیای سیاسی که با علوم انسانی و اجتماعی بستگی دارد جزو علوم اجتماعی تقسیم بندی شود.

### مفاهیم جغرافیائی

کار اصلی جغرافیا توجه به تأثیرات متقابل انسان و طبیعت یا عمل و عکس العمل است بدین طریق که هر جزء ترکیب کننده از حیات انسانی و هر پدیده طبیعی و انسانی و هر کیفیت ناحیه ای و عوامل بوم و بومی در داخل یک و یا چند شاخه از علم جغرافیا قرار میگیرد و یک نظم ویژه در تمام پدیده هائی که در داخل یک سرزمین و یک ناحیه اتفاق می افتد موجود است در حقیقت فکر جغرافیائی، توانائی شناخت علل این نظم و وابستگی چهره های طبیعی و انسانی بیکدیگر و نتایج حاصل از آن است.

برای درک بهتر و عمیق تر مفاهیم جغرافیائی عقاید و نظریات هنری . جی . وئرمن<sup>۱</sup> و فردریک آر. استین هازر<sup>۲</sup> جغرافیدانان امریکائی در اینجا ذکر میشود :

۱- مفهوم ناحیه ای - مطالعات ناحیه ای در حقیقت معاینه قلب مسائل جغرافیائی است یک ناحیه سرزمینی است با اندازه های مختلف که تشابه و هم آهنگی خاصی در چهره های داخلی آن مشاهده میشود بعبارت ساده تر در ناحیه مورد بحث ما عوامل طبیعی کیفیت خاصی از زندگی انسانی، حیوانی و گیاهی را فراهم آورده و این موضوع بآن ناحیه شخصیت و امتیاز ویژه ای بخشیده است مثلاً طولانی بودن فصل سرما، انواع خاک و ذخایر معدنی مثل نفت به حیات انسانی کیفیتی متمایز از سایر نواحی جغرافیائی داده است.

ممکنست در نتیجه ناهماهنگی در مسائل انسانی مثل نوع تمدن و فرهنگ مشخصات پیچیده و کاملاً جدیدی جدا از سایر مکانهای ناحیه ای بوجود آید در این صورت مطالعات

1- Henry. J. Warman.

2- Fredric R. steinhauser.

محلّی دريك ناحیه لازم و ضروری است. روی این اصل بعضی از جغرافیدانان پیشنهاد میکنند که اگر تقسیمات ایالتی بر اساس صحیح جغرافیائی قرار بگیرد میتواند در بطن خود هم آهنگی یکنواخت و موزونی از مسائل طبیعی و انسانی را ظاهر سازد در غیر اینصورت ممکنست افکار و عقاید، آداب و رسوم، زبان و فعالیت‌های مردم ایالتی کاملاً متفاوت از مشخصات فرهنگی<sup>۱</sup> ایالت مجاور باشد باصطلاح کانونهای متعددی متمایز از سایر کانونها دريك ناحیه تکوین یابد.

۲- مفهوم لایه حیات - فعالیت‌های موجودات زنده بویژه انسان بندرت در ارتفاعات زیاد و یا پائین‌تر از سطح دریا صورت میگیرد بلکه اغلب فعالیت‌های انسانی مثل کشاورزی، صنعت، حمل و نقل بحالت افقی گسترش یافته است تراکم جماعات انسانی در بعضی نواحی دنیا بیشتر است مثل خاور دور، جنوب شرقی آسیا، اروپای غربی و بخش شرقی ایالات متحده آمریکا. همین موضوع سؤالات زیادی را مطرح میکند که چرا این نواحی نقاط انتخابی انسان و قشر مهم لایه زندگی است.

۳- مفهوم اکولوژیکی - انسان میتواند شیار زندگی خویش را در محیط انتخاب نماید اما غالباً همان محیط محدودیتهائی را جهت ساکنین خود بوجود میآورد در این میان يك راه موجود است و آن مقایسه و بعد انتخاب بهترین مسیر برای ادامه حیات میباشد. جوامع ابتدائی در عمل انتخاب چندان توانا و قادر نیستند زیرا محدودیت فکر، تمدن، فرهنگ، تکنیک و فن موجب گشته است که عوارض پدیده‌های طبیعی شرایط خود را بر انسانهای اینچنین جوامعی تحمیل نماید در حالیکه جوامع صنعتی و تجاری و تمدن دنیای امروز در انتخاب شیار زندگی آزادی بیشتری نسبت به جوامع ابتدائی دارند با توجه به مفهوم تطابق با محیط است که بعضی از محققین، جغرافیایان علم اکولوژی انسانی گفته‌اند.

۴- مفهوم جغرافیائی - مسائل کشاورزی، معدنی، نژادی، سیاسی و نظایر آن

ممکنست از طرف متخصصین کشاورزی، زمین‌شناسی، صاحب‌نظران علوم اجتماعی و سیاسی مورد مطالعه واقع شود. وظیفه جغرافیدانان در مطالعات جغرافیائی اینست که با توجه به کلیه عوامل و با در نظر گرفتن رابطه و وابستگی بین آنها قضاوت و داوری نمایند.

۵- مفهوم محلی - علاوه از مفهوم منطقه‌ای و ناحیه‌ای يك مفهوم محلی را نیز در مطالعات جغرافیائی باید بخاطر سپرد یعنی هر مکان از مکان مجاور خود بعامل طبیعی و انسانی در پاره‌ای از مشخصات متمایز است و يك وابستگی محلی در کلیه مسائل جغرافیائی بچشم می‌خورد.

۶- مفهوم هماهنگی و تشابه - جغرافیا به مقایسه و تشابه در نواحی مختلف توجه دارد هماهنگی در عوامل طبیعی مثل آب و هوا، نوع خاک، پوشش گیاهی و زندگی حیوانی پدیده‌های هماهنگ و متشابه در محیط‌های جغرافیائی پدیدار می‌سازد.

۷- مفهوم ناهماهنگی - جغرافیا به شناخت علل و نتیجه ناهماهنگی و اختلاف بین نواحی جغرافیائی توجه خاص دارد.

۸- مفهوم پراگندگی - عوارض طبیعی و پدیده‌های انسانی بطور یکنواخت و یکسان در نواحی مختلف جغرافیائی دیده نمی‌شوند در بعضی کمتر و در بعضی بیشتر است و گاهی نیز از يك و یا چند پدیده طبیعی و انسانی بکلی برکنار است. علل پیدایش و ظهور و تکوین و همچنین عدم وجود آنها مورد مطالعه جغرافیاست.

۹- مفهوم دگرگونی در سائهای اخیر - در مقیاس کلی و سیاره‌ای بهنگام مطالعه رابطه انسان با محیط طبیعی پیشرفت‌های دانش بشری در دگرگونی محیط‌های طبیعی بویژه در دهه اخیر نباید فراموش شود و همواره مفهوم انسان انتخاب‌کننده و انسان حاکم در اجتماعات پیشرفته مورد توجه قرار گیرد.

۱۰- مفهوم توجه بآینده - دونالد جی و لک استاد جغرافیا در دانشگاه مریلند



امریکا پیشنهاد میکند<sup>۱</sup> که اگر سیمای برجسته جغرافیا را رابطه انسان با محیط بدانیم یکی از این روابط وابستگی به محیط در بهره برداری انسان از منابع طبیعی جهت ادامه حیات خویش خواهد بود بنابراین لازم می آید که مطالعه منابع طبیعی و نگهداری و آینده آنها بخش مهمی از آموزش و تحقیقات جغرافیائی را تشکیل دهد در اینصورت بررسی وضع موجود منابع طبیعی در مطالعات جغرافیائی کافی برای درک نیازهای انسانی در سالهای آینده نبوده و بهیچوجه شایسته یک تحقیق علمی نیست.

در سالهای اخیر نیازها و مسائل انسانی بیش از کنجکوی علمی مورد توجه جغرافیدانان معاصر قرار گرفته است نمونه اینگونه مطالعات در جغرافیای شهری عبارتست از: آلودگی هوا در شهرهای پر جمعیت، توسعه شهری، منابع روشنائی و سوخت شهرها، مواد غذایی مورد لزوم شهرها، مسکن مورد احتیاج و مسئله پوشاک وغیره. مطالعه افزایش مصرف آب در سالهای اخیر علل توجه جغرافی دانان را نسبت بمسائل و احتیاجات انسانی بیش از پیش آشکار میسازد. میدانیم که در ممالک در حال رشد  $\frac{1}{4}$  وقت مردم صرف تهیه و ذخیره آب مصرفی خود میگردد و در سراسر دنیا از هر چهار تخت بیمارستانها یک تخت به بیمارانی تعلق دارد که از بیماریهای ناشی از مصرف آبهای کثیف و ناسالم مریض گشته اند. از طرفی مصرف آب در کلیه ممالک دنیا بسرعت بالا میرود مثلاً در ایالات متحده مصرف آب روزانه در سال ۱۹۰۰ تقریباً ۴۰ میلیارد گالون بوده و هم اکنون به ۳۲۰ میلیارد گالون رسیده است. امروزه هر امریکائی چندین برابر بیش از والدین خود بآب احتیاج دارد و هم اکنون مصرف آب در حمامها، آشپزخانهها، منازل، ارکاندیشن ها، توالتها، آبیاری چمنها و گلکاریهای خانگی، پارکهای عمومی، شستشوی اتومبیلها، مصرف دراستخرهای شنا و همچنین در کارخانجات و صنایع بسرعت زیاد شده است بعلمت همین بهره برداریهای زیاد از آبهای زیرزمینی، بمرور سطح آب چاهها پائین تر رفته و یابکلی خشک شده است زیرا بهمان

نسبتی که این آبها بیرون کشیده میشود آبهای حاصله از برف و باران جذب زمین نمیگردد. مطالعات چند سال اخیر در تکزاس و نیومکزیکو نشان میدهد مقدار آبی که با وسایل مکانیکی بسطح زمین میرسد ۲۵ تا ۵۰ برابر آبی است که سالیانه در نواحی مزبور بزمین فرو میرود حتی بخش مهمی از آبهای که امروزه در غرب ایالات متحده با پمپهای قوی بسطح زمین میرسد همان آبهای است که در اواخر عصر یخبندان یعنی ۱۰۰۰۰ سال پیش جذب زمین شده است بهمین جهت جغرافیدانان و علم جغرافیا در عصر ما میتواند بهتر و عمیقتر مسائل انسانی را مطالعه و بررسی نماید .

۱۱- مفهوم کرویت - تابش اشعه خورشید بحالت عمود و مایل، پیدایش فصول و شب و روز، دریافت میزان نور و حرارت از خورشید در مواقع مختلف سال، مناطق آب و هوایی، درازی و کوتاهی فصل سرما و فصل رویش گیاهی لزوم توجه دقیقتر بمفهوم کرویت زمین در مطالعات عمومی و سیاره‌ای است (شکل سیاره زمین کروی کامل نیست بلکه بشکل جئوئید geoide است جئوئید را میتوان شکل بیضوی فرو رفته و تسطیح شده در قطبین دانست).

۱۲- مفهوم تخریب و بنا - انسان وطبیعت دو عامل مهم فرسایش و دگرگونی در سیاره زمین بشمار میروند. انسان جنگلها و علفزارها را از بین میبرد مسیر رودخانهها را عوض میکند و کوهها را بدلاخواه خود تغییر شکل میدهد در مقابل طبیعت نیز کوههای جدیدی بنا میکند و عمل فرسایش چهره‌های نوی میسازد و نوسانات محوری و تغییر محل قطب جغرافیائی مناطق جدید آب و هوایی و حیات حیوانی و گیاهی منطبق با آن بوجود میآورد بنا بر این پدیده‌های جغرافیائی سیاره زمین دائماً و بطور مرتب تغییر شکل میدهند. مطالعه دوره‌های دگرگونی و مراحل آن از وظایف جغرافیدانان است. پرستون، ای جمز جغرافیدان معروف امریکائی در این باره چنین میگوید: «سیمای سیاره زمین بسیار پیچیده است زیرا عوامل دگرگونی در مراحل مختلف و با سرعتهای مختلف در آن فعالیت داشته‌اند» این مراحل تحول و دگرگونی را میتوان تحت سه

عنوان اصلی، طبیعی، بیولوژیکی و اجتماعی تقسیم‌بندی کرد.

دانش جغرافیا از دانشمندان یونان باستان نظیر تالس، اراتوستن و استرابون شروع شد. جهانگردان و جغرافیدانان دوره اسلامی و اروپائی بنحوی در نشر اطلاعات جغرافیائی مؤثر افتادند ولی تا سال ۱۸۲۰ هنوز بصورت یک رشته اختصاصی جزو علوم دانشگاهی نبود در این سال کارل ریتز<sup>۱</sup> اولین کرسی استادی جغرافیا را در دانشگاه برلن بوجود آورد و بتدریج تا اواخر قرن ۱۹ تدریس جغرافیا در اغلب دانشگاههای اروپا معمول گشت. در قرن نوزدهم انتشار تئوری تحول، انقلاب و تکامل، تطابق با محیط، علل فعلی و انتخاب طبیعی که از جغرافیای امانوئل کانت شروع شده بود با تحقیقات و مطالعات آلفرد روسل والاس<sup>۲</sup>، جوزف دالتون هوکر<sup>۳</sup> چارلز داروین و لامارک تکمیل گردید استفاده جغرافیدانان قرن نوزدهم از این نظریات به دانش جغرافیا مقامی ارزنده بخشید و بآن جنبه فلسفی عمیقی داد. در اوایل قرن بیستم عقاید و مکتبهای جغرافیائی فردریک راتزل و شاگرد متعصب او خانم الن سمپل چرچیل و جبر آب و هوائی السورت هانتینگتن<sup>۴</sup> جغرافیدان برجسته امریکائی باب تازه‌ای را در مطالعات جغرافیائی گشود. بهنگام ظهور هیتلر و رایش سوم علم جغرافیا در خدمت سیاست و هدفهای سیاسی درآمد و کارل هاوس هوفر<sup>۵</sup> جغرافیدان آلمانی گسترش خاصی به مؤسسه ژئوپلیتیک آلمان داد که بعدها بصورت انجیل جغرافیائی آلمان درآمد و خود نیز یکی از مشاورین نزدیک هیتلر و حزب نازی آن کشور شد در حالیکه در اروپا و امریکا صنعت، کشاورزی، تجارت و سیاست یکسان و یکنواخت از جغرافیا بهره‌مند گشت. در این قرن جغرافیا در کشور اتحاد جماهیر شوروی در ردیف علوم طبیعی در دانشگاههای آن شخصیت و اعتبار ویژه‌ای یافت و توسعه نفوذ اقتصادی شوروی نیز در

1— Karl Ritter.

2— Alfred Rusel Wallace.

3— Joseph Dalton Hooker.

4— Ellsworth Huntington.

5— Karl Haushofer.

نقاط مختلف، نتیجه برداشت صحیح علمای جغرافیای اقتصادی از مسائل اقتصادی دنیا بوده است.

تا سال ۱۹۲۰ تأکید مهم در آموزش جغرافیا حفظ کردن مطالب و بخاطر سپردن موضوعات جغرافیائی بود اینوضع کم و بیش تا سال ۱۹۵۰ ادامه داشت از این تاریخ بعد توجه بمسائل جغرافیائی دانش جغرافیا را در مسیر نوی که قابل مقایسه با ادوار گذشته نبود قرار داد وجوامع انسانی با طرح مسائل جغرافیائی در دانشگاههای امریکا این علم را بیشتر و بازهم بیشتر بخدمت گرفتند و بجای جزوه نویسی در کلاسهای درس دانشکدهها، مطالعات شهری بوسیله هواپیماهای مخصوص دانشگاهها که برای همین منظور به کارخانجات هواپیما سازی سفارش شده بود انجام گرفت.

امید است با توجه بتحولات سالهای اخیر موضوع چه تدریس شود و شناخت چه مطالبی از جغرافیا لازم است آگاهانه بررسی ومطالعه گردد تا بتوان در کشور ما نیز از جغرافیا بشکلی اندیشمندانه بهره مند شد.

### منابع این مقاله

- 1- Journal of geography. Octobr 1967.
- 2- A. handbook for geography Teacher. Robert E. Gabler. 1966
- 3- Journal of geography. April 1967
- 4- Human geography. Emrys Jones. London 1965
- 5- Background to geography. G. R. Crone, museum press 1964
- 6- The encyclopedia Americana 1963
- 7- Geography in the 20 th century by griffith taylor, Methuen. 1965
- 8- Journal ot Geography, Septembr 1967